

اخبار و گزارش های کارگری 31 شهریورماه 1402

- حضور خانواده های جان باختگان اعتراضات سراسری سال 1401 بر سرمزار عزیزانشان در دهگلان کردستان
- مراسم اولین سالگرد زنده یاد پدرام آذرنوش از جان باختگان اعتراضات سراسری سال در روستای دره لبک دهدشت برگزار شد
- ادامه جمعه اعتراضی اهالی سیستان و بلوچستان با راهپیمایی در شهر زاهدان و سردادن شعارها و برافراشتن پلاکاردها
- ادامه اعتراضات مال باختگان شرکت های پیش فروش خودرو با راهپیمایی در سطح شهر و تجمع مقابل مصلاي نماز جمعه قزوین برای چندمین بار
- نامه مشترک نشریات دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف در اعتراض به تعلیق فروغ «ما نشریات فعال، جلوه ای از فروغ هستیم»
- کانون نویسندگان ایران: برگی از تاریخ
- یادی از دو رویداد در ماه شهریور: پایانی و آغازی
- بیانیه مشترک فعالان صنفی دانشگاه های کشور به مناسبت بازگشایی دانشگاه ها ما باز می گردیم.
- پیام تبریک انجمن صنفی معلمان کوردستان (دیواندره، مریوان و سروآباد، سقز و زیویه، سنندج و کلاترزان) به مناسبت آغاز سال تحصیلی و بازگشایی مدارس
- خیز دوباره برای استیلاي کامل ایدئولوژی مدنظر حاکمیت در فضای مدارس
- وزارت آموزش و پرورش در حالیکه با کمبود شدید نیرو مواجه است تقریباً هر روز در همراهی با نیروهای امنیتی احکام انفصال از خدمت، بازنشستگی اجباری حذف رتبه بندی دلسوزترین و تواناترین همکاران را صادر می کند
- اعتراض وکیل مهدی یراحی نسبت به وضعیت نابسامان موکلش در قرنطینه زندان اوین
- بازداشت معلم مشهدی مهدی شیبانی معلم ابوالفضل آدینه زاده
- با کمال تاسف محمدرضا کرامتیان از فعالین کانون صنفی معلمان شهرضای اصفهان درگذشت
- تداوم بازداشت مهسا سعیدی، دانشجوی دانشگاه یزد و ۱۰ روز بی خبری از وضعیت او
- بازداشت علی رضوی دانشجوی کارشناسی برق خواجه نصیرالدین طوسی

- بازداشت مجدد آرمیتا پاویر!

- گزارشی از وضعیت دانشجویان تربیت مدرس در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها

- کارشکنی‌های معاونت دانشجویی دانشگاه مدنی آذربایجان و کمبود خوابگاه

- جان باختن یک کارگر جوان اداره برق کاشان پس از چندروز دست و پنجه نرم کردن بامرگ در بیمارستان

- جان باختن یک کارگر در کرمانشاه بر اثر سقوط از ارتفاع

- بازهم تصادف سرویس رفت و آمد کارگران اینبار مینی بوس حامل کارگران یک کارخانه کاشی در شهرستان مهریز

*حضور خانواده های جان باختگان اعتراضات سراسری سال 1401 بر سرمزار عزیزانشان در دهگلان کردستان

جمعه ۳۱ شهریور ماه ۱۴۰۲







***مراسم اولین سالگرد زنده یاد پدram آذرنوش از جان باختگان اعتراضات سراسری سال در روستای دره لیک دهدشت برگزار شد**

جمعه ۳۱ شهریور ماه ۱۴۰۲

منبع 2 خبربالا:کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران

***ادامه جمعه اعتراضی اهالی سیستان و بلوچستان با راهپیمایی در شهر زاهدان و سردادن شعارها و برافراشتن پلاکاردها**

شعارها:

«آزادی آزادی آزادی»

«بسیجی سپاهی داعش ما شمایی»

«زندانی سیاسی آزاد باید گردد»

پلاکارد:

«هشتم مهر ماه روزی که عزیزانمان به دست جنایتکاران قتل عام شدند نه میبخشیم و نه فراموش می کنیم.»

***ادامه اعتراضات مال باختگان شرکتهای پیش فروش خودرو با راهپیمایی در سطح شهر و تجمع مقابل مصلاى نماز جمعه قزوین برای چندمین بار**

روز جمعه 31 شهریور برای چندمین بار، مال باختگان شرکتهای پیش فروش خودرو(شرکت رضایت خودرو و طراوت نوین) برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان دست به تجمع مقابل مصلاى نماز جمعه قزوین و راهپیمایی در خیابان زدند.





***نامه مشترک نشریات دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف در اعتراض به تعلیق فروغ**

«ما نشریات فعال، جلوه‌ای از فروغ هستیم»

19 نشریه دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف در نامه‌ی مشترکی خطاب به دکتر تقوی، معاون فرهنگی دانشگاه با اعتراض به حکم تعلیق نشریه فروغ این تصمیم را به مثابه بستن راه‌های اعتراض مدنی، تنگتر کردن فضای گفت‌وگو و سرکوب دانشجویان دانستند.

در آخر این نامه نیز اینطور آمده است: «اتفاقی که برای فروغ رخ داد حاصل تصمیمات یک شبه نیست و یک شبه هم حل نخواهد شد. ما نشریات دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف، داورهای جزمی را به شدت محکوم می‌کنیم. زین پس ما نشریات فعال جلوه‌ای از فروغ هستیم و این صدا هیچ گاه خاموش شدنی نیست.»

***کانون نویسندگان ایران:**

برگی از تاریخ

یادی از دو رویداد در ماه شهریور: پایانی و آغازی

در سال ۱۳۶۰ جمهوری اسلامی با سرکوب و سانسور همه‌ی جنبه‌ی اقلیت‌های عقیدتی، قومی و زبانی و آغاز سرکوب همه‌جانبه و سیستماتیک احزاب، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها، سندیکاها و همه‌ی تشکل‌های مستقل و آزادی‌خواه، و با به حاشیه راندن و محروم‌کردن زنان از پایگاه‌های اجتماعی، پایه‌ی حاکمیت خود را تحکیم بخشید و برگی سیاه و خونین از سانسور و انحصارطلبی و تک‌صدایی در تاریخ معاصر به ثبت رساند.

کانون نویسندگان ایران که در سال ۱۳۵۶، پس از ۷ سال فترت، دوره‌ی دوم فعالیت‌های آزادی‌خواهانه‌ی خود را آغاز کرده بود تا سال ۱۳۶۰ در دفاع از آزادی بیان و اندیشه و قلم از هیچ کوششی دریغ نکرد و همواره صدای رسای آزادی‌خواهی بود. اما در خرداد ۱۳۶۰ مزدوران حکومت در پی تهدیدها و فشارهای روزافزون بر تمامی نهادها و سازمان‌های مستقل، با اعدام ستم‌گرانه و ضدانسانی سعید سلطان‌پور، عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، بار دیگر تیغ زهرآگین سانسور را در تن نحیف آزادی فرو کردند. در تیرماه همان سال خانه‌ی کانون نویسندگان ایران به حکم دادستانی لاکو مهر شد و نشست‌ها ناگزیر به خانه‌ی اعضای کانون انتقال یافت. کانون در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۶۰ دو بیانیه منتشر کرد. یکی از آن‌ها به دستگیری حسن حسام (عضو هیئت دبیران کانون) و زندانی‌شدن ابوالفضل قاسمی (یار صدیق دکتر مصدق) با طرح اتهامات جعلی اشاره داشت و از اعضای دستگیرشده‌ی کانون، علی کوچنایی و عنایت احسانی (نویسنده و وکیل دادگستری) و شهرنوش پارس‌پور (داستان‌نویس)، یاد می‌کرد؛ همچنین از زندانی‌شدن اکبر ملکیان (پژوهش‌گر) خبر می‌داد که یکی دو هفته‌ی بعد اعدام شد.

بیانیه‌ی دوم نیز، با لحنی محکم و بی‌تخفیف، به همین موارد می‌پرداخت و گذشته از اعدام سعید سلطان‌پور به اعدام محسن فاضل و محمدرضا سعادت، اسارت مجدد حسن حسام و زندانی شدن دکتر ملکی (نخستین سرپرست دانشگاه تهران پس از سقوط شاه) و شکراله پاک‌نژاد (زندانی و مبارز سیاسی سرشناس دوره‌ی پهلوی) اشاره داشت. بیانیه‌ی دوم اعتراض شدیدالحن کانون را به شکنجه‌ی معترضان، محاکمه‌های سریع و کشتار بی‌امان زندانیان سیاسی و بر باد دادن دستاوردهای جنبش انقلابی ایران اعلام می‌دارد و چنین پایان می‌یابد: «مردم مبارز ایران! مردم آزادی‌خواه جهان! جان این مبارزان و صدها و هزارها تن از فرزندان انقلابی گمنام ولی سرسخت و شکست‌ناپذیر میهن ما اکنون در خطر است. با مبارزات افشاگرانه‌ی خود مانع اعدام این زنان و مردان شجاع انقلابی ایران شوید. نگذارید [...] خون این مبارزان راه آزادی را بر زمین بریزند. از زندانیان سیاسی ایران دفاع کنید.»

این دو بیانیه آخرین نشانه‌های فعالیت کانون نویسندگان ایران بود. پس از اعدام جنایت‌کارانه‌ی سعید سلطان‌پور، وسعت یافتن روزافزون سانسور در حوزه‌های گوناگون و سرکوبی که پیوسته شدیدتر می‌شد، رفته‌رفته نشست‌ها از نصاب افتاد و دوره‌ی دوم فعالیت رسمی کانون نویسندگان ایران پس از چهار سال پُر فراز و نشیب پایان یافت.

در اواخر دهه‌ی شصت (پس از زلزله‌ی رودبار) جمعی از کانونیان دوباره گرد آمدند تا چراغ دوره‌ی سوم کانون را روشن کنند. پیش‌نویس منشور تازه‌ی کانون در نشست جمع مشورتی ۱۸ شهریور ۱۳۷۵ در خانه‌ی منصور کوشان به تأیید و امضا رسید. اما دقایقی پس از به سرانجام رسیدن این کار، مأموران امنیتی وارد خانه شدند و سیزده عضو حاضر در نشست - رضا براهنی،

هوشنگ گلشیری، محمد مختاری، غفار حسینی، فرج سرکوهی، کاوه گوهرین، روشنگ داریوش، محمد محمدعلی، فرزانه طاهری، منصور کوشان، کامران جمالی، محمد بهارلو و حسن اصغری - را چند ساعتی بازداشت و بازجویی کردند و هشدار دادند که جلسات کانون باید متوقف شود. در نهایت نیز پیش‌نویس امضاشده را همراه با دیگر اسناد کانون با خود بردند. در بازداشتگاه، سیاست جدید فرهنگی حکومت از زبان سعید امامی در این جمله به نویسندگان ابلاغ شد: «تا دیروز ما گرچه مخالف بودیم اجازه می‌دادیم که شما به کارتان ادامه دهید. از این به بعد حق تشکیل جلسه و صحبت از کانون نویسندگان را ندارید.»

اما این بار، هیچ یک از فشارها - از احضار و بازجویی و حبس تا محروم کردن از انتشار و اشتغال - و حتی عملی کردن تهدیدهای «حذف فیزیکی» نتوانست کانون نویسندگان ایران را از فعالیت باز دارد یا، چنان‌که مأموران حکومت و برخی نویسندگان سست‌عنصر و متوهم می‌خواستند، آن را به نهادی وابسته بدل کند. و سرانجام، بند اول منشور کانون نویسندگان ایران که حکم خون بهای اعضای از دست رفته‌ی ما را دارد، همچون درفش آزادی‌خواهی بر تارک کانون می‌درخشد.

***بیانیه مشترک فعالان صنفی دانشگاه‌های کشور به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها**

ما باز می‌گردیم.

در سالی که گذشت، ما دانشجویان همگام با دیگر اقشار مردم در دانشگاه‌ها صدای اعتراض به ستم و استبداد را بلند کردیم و با هم‌زمانان در خیابان پیمان مقاومت بستیم. بهای این ایستادگی زیاد و دستاوردهای آن ماندگار بود؛ بازداشت، اخراج، تعلیق و تهدید شدیم، اما پس از گذشت یک سال به نقطه‌ای رسیده‌ایم که باور داریم قدم در راهی بی‌بازگشت و روبه‌جلو نهاده‌ایم که بدل به آگاهی‌ای همگانی در بین ما شده است.

اکنون استبداد شاید بیش از هر زمان دیگر از بدو تاسیس، کمر به قتل دانشگاه بسته است؛ از حذف دانشجویان و اساتید غیرهمسو از فضای دانشگاه، اخته کردن تشکله‌ها و محدود ساختن حوزه فعالیتشان، تفکیک و حذف یک‌به‌یک فضاهای دانشجویی، محروم کردن دانشجویان از امکانات رفاهی درخور و به‌حقیقت گرفته تا حرکت به سوی پولی‌سازی دانشگاه و حذف آموزش رایگان. گرچه رد تازیانه انضباطشان پابرجاست اما زخمشان کاری نیست؛ چراکه تجربه‌ی متناوب «خواستن، سرکوب و ایستادگی» در سالی که گذشت، ما را وارد مرحله‌ی تازه‌ای از کنشگری و مقاومت برای رسیدن به آرمان‌هایمان کرده است که اقدامات سرکوبگرانه حکومت را بی‌اثر خواهد کرد.

ما، جمعی از فعالان صنفی دانشگاه‌های کشور، گوشه‌ای از این ایستادگی‌های ماندگار دانشجویان در برابر سرکوب را در سلسله #گزارش_جنبش_جمع‌آوری کردیم تا در یادها بماند آنچه کردیم و گذشت بر ما. یکی از اهداف ما برای ثبت این مسیر در قالب کارهایی همچون گزارش جنبش، انتقال این تجربه‌ی ادامه‌دار به دانشجویان جدید دانشگاه برای به دست‌دادن تصویری بهتر از جایگاهی‌ست که در آن قرار داریم و دعوتی‌ست از شما تا به پاسداشت امید و زندگی به آن ببینید و در تلاش برای ساخت آن همراه شوید. چراکه هویت دانشجویی، به معنی ایستادگی در برابر ناعدالتی‌ها و تلاش برای نیل به خواسته‌های به‌حق است و پیوند مستقیمی با آگاهی سیال جمعی و رو به کمال جامعه‌اش دارد.

«اکنون به جلو می‌نگریم؛ در حالی در آستانه‌ی آغاز سال تحصیلی جدید قرار داریم که دانشگاه در بسیاری از ساحت‌ها نامولد شده است، شرایطی که ما را با پرسش‌هایی جدی و سازنده مواجه می‌سازد. حال با انباشتی از تجربه و در امتداد مسیر بی‌بازگشتی که طی کرده‌ایم، وقت بازپسگیری و بازتعریف دوباره‌ی دانشگاه به‌عنوان میدانی برای تخیل و ساخت آینده و مبارزه برای رسیدن به آن است. هم‌اکنون در درون جنبش دانشجویی سنت و ادبیاتی در حال ساخته‌شدن است که خار چشم استبداد و آتشی روشنی‌بخش برای راهی‌ست که به سوی فردا در پیش گرفته‌ایم.

امضاکنندگان بیانیه؛

فعالان صنفی دانشگاه اصفهان

فعالان صنفی دانشگاه هنر اصفهان

فعالان صنفی دانشگاه نوشیروانی بابل

فعالان صنفی دانشگاه یزد

فعالان صنفی دانشگاه تهران

فعالان صنفی دانشگاه هنر

فعالان صنفی دانشگاه بهشتی

فعالان صنفی دانشگاه چمران اهواز

فعالان صنفی دانشگاه الزهرا

فعالان صنفی دانشگاه علامه

فعالان صنفی دانشگاه خواجه نصیر

فعالان صنفی دانشگاه فردوسی مشهد

***پیام تبریک انجمن صنفی معلمان کوردستان (دیواندره، مریوان و سروآباد، سفز و زیویه، سنندج و کلاترزان) به مناسبت آغاز سال تحصیلی و بازگشایی مدارس**

همواره آرزو و آرمان انجمن، داشتن مدارسی سرشار از شادی، خلاقیت و سلامت روح و روان برای دانش‌آموزان و معلمان بوده و تمام تلاشها و مبارزات آن معطوف به تحقق این هدف مقدس بوده است. اما "در اولویت نبودن و اهمیت نداشتن آموزش و پرورش برای حاکمیت"، "استیلاي روح مادیگرایی و موسسات کنکوری و پول‌ساز بر برنامه‌ها و تصمیمات مسولان آ.پ" و "بی‌تدبیری‌های متولیان نظام آموزشی کشور در سطوح شهرستانی، استانی و ملی" چنان دمار از روزگار تعلیم و تربیت در آورده است که بهار آن را به خزانی حزن‌انگیز تبدیل کرده است

-هزینه اداره مدارس از سفره خالی و محقر خانواده‌ها تامین می‌شود و اصل ۳۰ قانون اساسی و آموزش رایگان توسط مقامات رسمی به سخره گرفته شده است. وزیر آپ آموزش را به عنوان یک کالا معرفی کرده و صراحتاً اعلام نموده "هرکس آموزش بهتری می‌خواهد باید پول بیشتری بپردازد"

-مسولان آپ در عوض جذب نیرو برای جبران کمبود ۲۰۰ هزار معلم حرفه‌ای، با افزایش تراکم کلاس‌ها و بکارگیری نیروهای غیرمرتبط یا استثمر بازنشستگان، مدیران و معاونان آن را جبران می‌کنند که نتیجه‌ای جز "به محاق بردن کیفیت آموزش" به همراه ندارد

-بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس ۹۶۰ هزار کودک و نوجوان در سن آموزش از تحصیل بازمانده یا ترک تحصیل کرده‌اند. که بخش عظیمی از این آمار به دختران و کودکان مناطق محروم تعلق دارد

-شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی موجود در جامعه در آموزش هم تبلور یافته و از هزار رتبه برتر کنکور ۵۰ درصد آن تنها متعلق به دهک دهم (ثروتمندان) است. در کنکور سال گذشته هم از ۴۰ نفر رتبه برتر تنها یک نفر متعلق به مدارس عادی دولتی بود

-وزیر آپ از میان تمام معیارهای انتخاب معلم بیشترین تاکید را بر "وفاداری به نظام" داشته است. معاون فرهنگی حوزه‌های علمیه هم اعلام نموده که در فاصله ۳ سال تا مهر ۱۴۰۱ شش هزار طلبه وارد مدارس شده‌اند که این موارد نشان از عزم جزم حاکمیت برای هرچه بیشتر ایدئولوژیک کردن آموزش و پروراندن شهروندانی مقلد و مطیع دارد

-مسئله مهم دیگری که در سال تحصیلی گذشته فضای آموزشی را ملتهب و حتی مضمّن‌کننده کرده بود امنیتی‌کردن فضای مدارس بود. به دنبال شروع اعتراضات و نارضایتی شهروندان در مهر ۱۴۰۱ و برگزاری تحصن معلمان به دفاع از حریم مدارس و دانش‌آموزانی که متحمل هزینه و فشار شده بودند، ۳۵۰ نفر از معلمان کردستان با کسر حقوق، قطع رتبه‌بندی، درج غیبت و معرفی به هیئت تخلفات مواجه شدند. صدها مدرسه دخترانه مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند و هزاران دختر معصوم دچار مشکلات تنفسی، حساسیت پوستی، اختلالات عصبی، مدرسه‌هراسی و... شدند. مدارس به محل رفت و آمد نیروهای نظامی، شبه‌نظامی و حراستی تبدیل شد به طوری که گاه‌ا احساس می‌شد اداره امور آموزش و پرورش به نظامیان و امنیتی‌ها سپرده شده است. در ادامه این رویکرد ضدآموزشی در چند ماه اخیر دهها مدیر و معاون توانمند و باسرافت علیرغم مقبولیت و موفقیت‌های فراوان، صرفاً به جرم حمایت از کیان مدرسه و حقوق دانش‌آموزان و معلمان از مدیریت مدارس خلع شدند. در تجمعات قانونی ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ و ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ حدود ۳۰ نفر از معلمان استان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند یا دستگیر و بازداشت شدند

مجموعه موارد فوق و عوامل دیگری که مجال پرداختن به آنها نیست نشان می‌دهد که این نظام آموزشی فشل و معیوب نه تنها قادر نیست دردهای جامعه را درمان کند بلکه خود هر روز دردی و بحرانی به جامعه تحمیل می‌کند. البته هدف انجمن از بیان آمارها و مسائل تلخ مذکور در آغاز سال تحصیلی، دمیدن روح ناامیدی و درماندگی نیست. اتفاقاً انجمن بسیار امیدوار است که بتوان با تبدیل کردن آموزش رایگان، عادلانه و باکیفیت به یک دغدغه عمومی و شکل‌گیری یک همت همگانی برای تحقق آن، آینده بهتری را رقم زد، اما بدون شناسایی این واقعیات، ریشه‌یابی آنها و همفکری

همگانی برای چاره‌جویی و موضع‌گیری صحیح در مواقع لزوم، به هیچ وجه نمی‌توان نظام آموزشی را از زیر یوغ این کژکاریها و ناهنجاریها نجات داد. لذا این انجمن ضمن تبریک و شادباش بیکران بازگشایی مدارس به تمامی دانش‌آموزان رشید و جویای علم، معلمان فرهیخته و والدین گرانقدر، از همه این بزرگواران و نیز فعالان عرصه آموزش و رسانه‌های مستقل و مردمی می‌خواهد با امید به آینده و مسئولیت‌پذیری بیشتری اوضاع مدارس را رصد کنند و با تقویت رویکرد انتقادی و مطالبه‌گرانه‌ی خود یاریگر انجمن در راستای تحقق یک نظام آموزشی عادلانه، پویا و بانشاط باشند.

انجمن صنفی معلمان کوردستان

۳۱ شهریور ۱۴۰۲

*خیز دوباره برای استیلای کامل ایدئولوژی مدنظر حاکمیت در فضای مدارس

بندهای ماده ۱۰ لایحه حجاب در خصوص شرح وظایف آموزش و پرورش بخوانید

ماده ۱۰:

وزارت آموزش و پرورش به منظور تحقق اهداف این قانون مکلف به وظایف زیر است:

۱- آموزش و ترویج سبک زندگی اسلامی خانواده محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب در کلیه پایه های تحصیلی مبتنی بر سن و جنسیت در قالب بسته های یادگیری به ویژه برنامه ها و متون درسی تولیدات و ،رویدادها جشنواره ها و اردوهای فرهنگی و تربیتی، محتوای چندرسانه ای به صورت تعاملی و برخط با بهره گیری از ظرفیت زیست بوم های فناورانه

۲- فرهنگ سازی عفاف و حجاب و سبک زندگی اسلامی خانواده محور از طریق برگزاری دوره ها و کارگاههای آموزشی با رویکرد تبیینی و اقناعی و ارائه متون آموزشی برای خانواده ها و معلمان و کارکنان؛

۳- تهیه آیین نامه الگوی پوشش مناسب مبتنی بر فرهنگ اسلامی متناسب با شرایط سنی اقلیمی و جغرافیایی به ویژه مناطق روستایی و عشایری به تفکیک برای دانش آموزان معلمان و کارکنان با همکاری کارگروه ساماندهی مد و لباس و تصویب آن در شورای عالی انقلاب فرهنگی ظرف مدت سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون؛

۴- اعمال گزینش بدو خدمت و استمرار صلاحیتهای بدو گزینش در طول سنوات خدمتی و صلاحیتهای عمومی و نیز رعایت «فرهنگ عفاف و حجاب برای کلیه معلمان دانشجو معلمان و کارکنان اعم از رسمی پیمانی یا قراردادی یا خرید خدمات؛

۵- در اختیار قرار دادن فضاهای ،مدارس هنرستانها و فضاهای آموزشی و ورزشی در ساعات غیرآموزشی و ایام تعطیل برای فعالیتهای فرهنگی و تربیتی مساجد مراکز و مجموعه های تربیتی به قیمت تمام شده؛

۶- نظارت بر رعایت این قانون در مراکز و مؤسساتی که صدور مجوز فعالیت آنها به عهده وزارت آموزش و پرورش است و لغو مجوز آنها در صورت عدم رعایت این قانون.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***وزارت آموزش و پرورش در حالیکه با کمبود شدید نیرو مواجه است تقریباً هر روز در همراهی با نیروهای امنیتی احکام انفصال از خدمت، بازنشستگی اجباری حذف رتبه بندی دلسوزترین و تواناترین همکاران را صادر می کند**

اخیراً آموزش و پرورش البرز در نامه‌ای از مدیران مدارس خواسته است که خود برای تامین نیروی آموزشی اقدام کنند

«قابل توجه مدیران گرانقدر

مدارسی دولتی که با کمبود دبیر مواجه هستند با توجه به معرفی نشدن نیروی مورد نیاز دوره اول و دوم متوسطه، لازم است مدیران تدابیر لازم جهت تکمیل نیروی مورد نیاز خود را از طریق حق التدریس شاغلین و بازنشستگان اقدام نمایند.

متأسفانه نیروی های ماده 28 تا پایان مهرماه اختصاص نمی یابند و باید از کلیه ظرفیت ها جهت خالی نماندن کلاس ها استفاده نماییم.

لطفاً نیروهای مد نظر خود را با مشخصات و ساعت جهت صدور ابلاغ به مقطع معرفی نمایید.»

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***اعتراض وکیل مهدی یراحی نسبت به وضعیت نابسامان موکلش در قرنطینه زندان اوین**

وکیل مهدی یراحی نسبت به غیرقانونی بودن نگهداری این زندانی در قرنطینه زندان اوین اعتراض کرد.

وکیل مهدی یراحی در پیام‌رسان ایکس نوشت: سه هفته از نگهداری آقای مهدی یراحی در قرنطینه زندان اوین می‌گذرد و علیرغم پیگیری‌های مکرر، ایشان به بند عمومی منتقل نشده‌اند.

وکیل مهدی یراحی افزود: شرایط خاص و امکانات کم قرنطینه باعث ادامه مشکلات جسمی (پوست و گوش) ایشان شده است.

***بازداشت معلم مشهدی مهدی شیبانی معلم ابوالفضل آدینه زاده**

خانواده جان باخته قیام ژینا ابوالفضل آدینه زاده در حساب های شبکه مجازی خود اعلام کردند که آقای مهدی شیبانی معلم ابوالفضل آدینه زاده به جهت گرفتن جشن تولد و حضور در مراسم سالگرد ابوالفضل بازداشت شده است .

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***با کمال تأسف محمدرضا کرامتیان از فعالین کانون صنفی معلمان شهرضای اصفهان درگذشت**

شورای هماهنگی به نمایندگی از تشکل‌های عضو درگذشت این همکار و همراه دیرین کانون صنفی معلمان شهرضا را به خانواده ایشان کانون صنفی شهرضا و فعالین صنفی تسلیت می‌گویید و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو می‌نمایید.

پیش‌تر هیات تحلفات استان اصفهان در ادامه رویه امنیتی وزارت آموزش و پرورش برای آقای کرامتیان حکم انفصال خدمت صادر کرده بود.

***تداوم بازداشت مهسا سعیدی، دانشجوی دانشگاه یزد و ۱۰ روز بی‌خبری از وضعیت او**

مهسا سعیدی، اهل کرمان و دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه یزد، در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۲ توسط اطلاعات سپاه در یزد بازداشت شده است.

با گذشت ۱۰ روز از بازداشت او و علی‌رغم پیگیری‌ها و مراجعه خانواده‌ی او به دادسرا، کماکان هیچ اطلاعی از محل نگهداری و دلایل بازداشت این دانشجو در دست نیست که این امر به نگرانی‌ها درباره وضعیت او دامن زده است.

برگرفته از کانال بیدارزنی

***بازداشت علی رضوی دانشجوی کارشناسی برق خواجه نصیرالدین طوسی**

علی رضوی دانشجوی ورودی ۱۴۰۱ کارشناسی برق خواجه نصیر در تاریخ ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

طبق اطلاعات بدست آمده، این دانشجو هم‌اکنون در زندان فشافویه به‌سر می‌برد.

شورای صنفی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

***بازداشت مجدد آرمیتا پاویر!**

آرمیتا پاویر دانشجوی زیست سلولی مولکولی دانشگاه مدنی آذربایجان روز ۳۰ شهریور توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بند زنان زندان مرکزی تبریز منتقل شد. این دانشجو در آبان سال گذشته نیز بازداشت شده بود و در تاریخ ۵ و ۱۱ شهریور ۱۴۰۲ نیز به دادسرای آذرشهر و تبریز احضار شده بود.

از وضعیت فعلی و اتهامات وارده به او اطلاع دقیقی در دست نیست.

***گزارشی از وضعیت دانشجویان تربیت مدرس در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها**

دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، فضای حاکم بر محیط دانشگاه را فضایی رعب‌آور، پادگانی_نظامی و افسرده‌کننده توصیف می‌کنند؛ فضایی که هر روز نسبت به قبل شادابی و نشاط خود را از دست می‌دهد.

فشارهای امنیتی؛

پس از تغییر رئیس حراست دانشگاه در شهریور ماه و پیش از بازگشایی دوباره دانشگاه، خیرهایی مبنی بر گشت شبانه رئیس حراست در محوطه بین خوابگاه‌های دخترانه مستقر در درب جنوبی، وجود دارد. بر اساس گزارشات، رئیس حراست به سرکشی در آزمایشگاه‌های دانشکده‌ی فنی مهندسی نیز می‌پردازد و به طور منظم و بر خلاف قوانین وزارت علوم به منظور تفکیک و جدا سازی دانشجویان دختر و پسر در آزمایشگاه‌ها حضور می‌یابد. این در حالی است که نگهبانان خوابگاه‌های دخترانه، فشار بر دانشجویان دختر را مبنی بر ورود به خوابگاه قبل از ساعت ۱۱ شب، افزایش دادند.

در ورودی درب شمالی نیز مامورین حراستی حتی بیرون آمدن یک تار مو از دانشجویان دختر را بر نمی‌تابند و در صورت مشاهده آن، دانشجوی دختر را متوقف و از او می‌خواهند که حجاب خود را رعایت کند، در غیر این صورت کارت دانشجویی او توقیف می‌شود و از خروج یا ورود او جلوگیری می‌شود و تهدید به تشکیل پرونده انضباطی می‌شود. این تنها بخشی از فشار عریان نهاد حراست بر دانشجویان است. حراستی که پیش از این اقدام به نصب دروبین در تمام فضاها کرده بود.

مشکلات رفاهی؛

اما در بخش زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی نیز مشکلات فراوانی وجود دارد، از جمله تعطیلی کلینیک دندان پزشکی دانشگاه. گفتنی است از طرف معاونت دانشجویی دانشگاه تلاشی برای بازگشایی و ارائه خدمات در سه ماه اخیر، صورت نگرفته است.

همچنین در یک ماه اخیر و در اعتراض به پخت نامناسب و کیفیت پایین غذا، سرآشپز سلف مرکزی از کار اخراج شد! اگرچه کیفیت غذا همچنان پایین و حجم غذا نیز نسبتاً کم شده است.

در تمامی خوابگاه‌ها همچنان مشکلات زیادی وجود دارد. یخچال‌های کهنه و خراب که برای تعمیر آن باید روزها منتظر ماند به گونه‌ای که دانشگاه حاضر به تعویض و خرید یخچال نو و با کیفیت نیست! کمبود ماشین‌های جاروبرقی و اتو، کهنه و فرسوده بودن دیوارها، مشکلات را برای زندگی دانشجویان، بیشتر کرده است.

یکی از پدیده‌هایی که شاید جالب توجه باشد، حضور فعال بسیج در بعضی از فعالیت‌های اقتصادی درون دانشگاهی و خوابگاهی است. یعنی واگذاری بوفه‌ها و بعضی مغازه‌ها به چهره‌های بسیجی است. در بازارچه اصلی پردیس مرکزی، اداره پست و نیز بوفه‌ی یکی از خوابگاه‌های پسران این موارد را می‌توان مشاهده کرد. یکی از دیگر زیرساخت‌های ناقص در تربیت مدرس، پروژه ساخت دانشکده اقتصاد در چند طبقه بود. این ساختمان با وجود ساخت دیوارهای بتونی، سال‌هاست که نیمه‌کاره رها شده است.

با وجود تمام این مشکلات، راه اعتراض، درخواست و پیگیری مشکلات مسدود است! دانشگاه از برگزاری انتخابات شورای صنفی امتناع کرده است. شورایی که باید فرایند مقدمات و برگزاری انتخابات آن در خرداد ماه انجام می‌پذیرفت.

***کارشکنی‌های معاونت دانشجویی دانشگاه مدنی آذربایجان و کمبود خوابگاه**

دانشگاه مدنی آذربایجان از طی سالیان گذشته با مشکل کمبود خوابگاه به خصوص برای دانشجویان پسر رو به رو بوده است، به طوری که به تمامی دانشجویان اهل شهرهای بناب، عجب‌شیر، در شعاع ۸۰ کیلومتری دانشگاه خوابگاه تعلیق نمی‌گیرد و هر ساله این دانشجویان باید مدتی را بدون خوابگاه بگذرانند تا اگر جایی خالی وجود داشت آنها هم اسکان پیدا کنند.

در دوران کرونا دانشگاه مدنی اقدام به جذب گسترده دانشجو بخصوص از کشورهای خارجی کرد. در حالی که مشکلات رفاهی برای دانشجویان بومی به اوج خود رسیده بود، پس از جذب این دانشجویان همواره بخش قابل توجهی از خوابگاه و ظرفیت‌های رفاهی به آنان اختصاص می‌یافت و دیگر دانشجویان باید در خوابگاه‌های خودگردان و یا خوابگاه‌های خارج از دانشگاه مستقر شوند. به نظر میرسد سیاست مسئولان به سمت پولی شدن دانشگاه است و ترجیح می‌دهند به جای دانشجویان داخل کشور و عمدتاً روزانه، دانشجویان خارجی (عمدتاً از کشور عراق) را با هزینه‌های چندین برابر پذیرش کرده و در خوابگاه‌ها اسکان دهند.

با وجود اعتراض دانشجویان و درخواست رزرو خوابگاه در فاصله یک هفته مانده به شروع ترم، همچنان وضعیت اسکان دانشجویان در سرای دانشجویی نامشخص است.

گفتنی است در دانشگاه مدنی با کارشکنی معاونت دانشجویی، شورای صنفی تشکیل نشد و در حال حاضر بسیاری از مسائل دانشجویان، بدون وجود نهادی مطالبه‌گر تشدید شده‌اند.

منبع 3 خبری‌الا: کانال شوراهای صنفی دانشجویان کشور

***جان باختن یک کارگرجوان اداره برق کاشان پس از چندروز دست و پنجه نرم کردن بامرگ در بیمارستان**

هفته پیش یک کارگرجوان واحد نصب انشعابات اداره برق کاشان بنام علی باقری دچار برق گرفتگی شد و از ارتفاع سقوط کرد و در بیمارستان بستری شد.

این کارگر روز چهارشنبه 29 شهریور، پس از چندروز دست و پنجه نرم کردن بامرگ در بیمارستان جان باخت.

***جان باختن یک کارگر در کرمانشاه بر اثر سقوط از ارتفاع**

یک کارگر 35 ساله حین کار در یک ساختمان در حال احداث واقع در شهرک پرواز کرمانشاه از طبقه ششمبر روی ساختمان 2 طبقه همسایه سقوط کرد و دردم جان خود را از دست داد.

***بازهم تصادف سرویس رفت و آمد کارگران اینبار مینی بوس حامل کارگران یک کارخانه کاشی در شهرستان مهریز**

بر اثر تصادف یک دستگاه اتوبوس با یک دستگاه مینی بوس در جاده مهریز به یزد یک نفر کشته و 18 نفر زخمی شدند.

براساس گزارش رسانه ای شده، اتوبوس مسافربری از مبدا کرمانشاه به مقصد هرمزگان در حال حرکت بوده که با یک دستگاه مینی بوس حامل کارگران یک کارخانه کاشی در شهرستان مهریز برخورد می‌کند.

در این حادثه راننده مینی بوس جان خود را از دست داد و 18 نفر دیگر زخمی و به یک بیمارستان شهرستان مهریز در استان یزد منتقل شدند.

akhbarkargari2468@gmail.com